

بازشناسی و تحلیل عملکرد پنجاه‌ساله سازمان تأمین اجتماعی در قلمرو بیمه بازنشستگی

فرخ ملکوندفرد*

۱. الزامات تاریخی

تحول در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، روابط کار، و زمینه‌های پیدایش بیمه‌های اجتماعی بیمه اجتماعی به مفهوم امروزی یکی از پیامدهای انقلاب صنعتی است. پس از انقلاب صنعتی بنیانهای اقتصادی و اجتماعی اروپا دچار تحولات عظیمی شد؛ از یک طرف ورود ماشین به عرصه تولید و جایگزینی آن به جای انسان موجبات افزایش نیروی کار را فراهم آورد و از طرف دیگر استفاده از ماشین زمینه‌های نیازمندی به مهارت نیروی انسانی را در فرایندهای کاری موجب شد که پیامد جمع این دو زمینه موجبات تغییرات در روابط کار و پدیدار شدن اتحادیه‌های کارگری را فراهم کرد. از یک سو عرضه نیروی کار بیشتر و از طرف دیگر رغبت کارفرمایان و صاحبان سرمایه به استفاده از ماشین و محدود شدن تقاضای آنها برای نیروی کار، و آن هم صرفاً ماهر، موجب کاهش شدید سطح دستمزدها و بیکاری گسترده در جامعه اروپا شد. به دنبال این تغییرات گسترده و ایجاد بحرانهای ناشی از آن، افکار سوسیالیستی نیز در اروپا زمینه لازم را برای نفوذ در کارگران و طبقات فرودست جامعه پیدا کرد.

ظهور و پیدایش جنبش‌های کارگری در آلمان و راه یافتن نمایندگان سوسیالیست به پارلمان، دولت وقت آلمان را که در آن زمان یکی از مظاهر بارز دولت سرمایه‌داری لیبرال در اروپا بود، وادار کرد با عدول از اصل عدم دخالت دولت در برنامه‌های اقتصادی، برنامه بیمه اجتماعی کارگران را در سال ۱۸۸۱ به مجلس ارائه کند. از طرفی دیگر از آنجایی که امکان جایگزینی برای نیروی ماهر بسیار

* مشاور عالی سازمان تأمین اجتماعی

مشکل بود و سلامتی و رضایت‌مندی کارگران از محیط‌های کاری در تداوم چرخه تولید کارخانجات از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار بود، صاحبان سرمایه فراتر از ابعاد انسانی و آرمانی در واقع در پی آن بودند تا با پررنگ کردن تعلق خاطر نیروهای مولد به محیط کار از جمله ایجاد سلامتی و امکان تداوم معیشتی در ایام بیماری، بیکاری، سالمندی و... حضور مؤثر کارگران را در کارخانجات بیشتر کنند. البته این موضوع در کارخانجات بزرگ و پیشرفته بیشتر متجلی می‌شد زیرا هر قدر که تکنولوژی بیشتری در کارخانجات به کار گرفته می‌شد، نیازمندی و تداوم زمانی به حضور نیروهای ماهر و سالم با فرض عدم جایگزینی آسان، بیشتر خود را به کارفرمایان تحمیل می‌کرد. بویژه اینکه پس از پیدایش اتحادیه‌های کارگری این حضور و عدم امکان جایگزینی آسان خود را بیشتر به محیط‌های کاری و صاحبان سرمایه تحمیل می‌کرد و اعتصابات کارگری در جهت اعاده خواسته‌های صنفی، معنی و مفهوم اقتصادی و اجتماعی به خود گرفت. در نتیجه دولت آلمان در سال ۱۸۸۹ مقررات مربوط به بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی را در سراسر آلمان به اجرا درآورد و از این لحاظ در میان دول اروپایی پیشرو در ایجاد نظام تأمینی در قلمرو بیمه اجتماعی کارگران بود. در پی آن این برنامه به سرعت توسط سایر دولتهای اروپایی با تفاوتهایی مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب بیمه‌های اجتماعی به مفهوم امروزی یکی از پیامدهای انقلاب صنعتی است و این پیامد از دو منظر قابل تفکیک و طبقه‌بندی است: قلمرو اول جایگزینی تکنولوژی ماشین به جای انسان و افزایش عرضه نیروی کار و قلمرو دوم نیازمندی بیشتر به نیروی انسانی ماهر در چرخه تولید و رغبت بیشتر کارفرمایان به حفظ و صیانت از نیروی کار در محیط‌های کاری. بنابراین برنامه‌های تأمینی بیمه‌های اجتماعی نیز پاسخگوی این دو قلمرو است که توسط دولتهای صنعتی قانونمند شد و به اجرا درآمد.

به این ترتیب بیمه اجتماعی با توجه به ظرفیت‌های تأمینی که دارد با مشارکت کارگر، کارفرما و دولت گسترش یافت و به عنوان راه حلی ویژه نظام سرمایه‌داری در مقابل شعارهای کارگری سوسیالیسم پذیرفته شد. همچنین تصویب کنوانسیون بین‌المللی کار و پذیرش رسمیت سندیکاهای کارگری به عنوان نیرویی مؤثر بر روابط کار از مهمترین دستاوردهای تاریخی دوران انقلاب صنعتی و پس از آن است.

دولتهای حاکم بر ایران هم با تأثیرپذیری از تحولات صنعتی، در تلاش بودند تا با الگوپذیری از نظامهای اروپایی از دستاوردهای تمدن و انقلاب صنعتی به هر نحو ممکن استفاده کنند. ایجاد مدرسه و دانشگاه به سبک اروپا، رواج روزنامه نگاری و تحزب و همچنین ظهور طبقه‌ای از روشنفکران تحصیل‌کرده اروپا در ایران از مصادیق آن دوران است. این موضوع در اواخر حکومت

قاجار سمت و سویی پررنگ‌تر به خود گرفت، به گونه‌ای که دولتمردان وقت سعی داشتند با حفظ مبانی سلطنت و استبداد، در بنیادهای اقتصادی و اجتماعی کشور تغییرات عمده‌ای ایجاد کنند که در بسیاری از موارد این رویکردهای جدید تقابلهایی ایجاد می‌کرد.

به دنبال ایجاد نهضت مشروطیت و تغییر ساختار نظام سلطنتی استبدادی به نظام سلطنتی مشروطه، علی‌رغم تمام مشکلات موجود، پیوستن ایران به برخی کنوانسیونها و مجامع بین‌المللی از نکات بسیار با اهمیت آن دوران محسوب می‌شود. تشکیل وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات جدید دولتی، افزایش بودجه‌های عمومی و عمرانی بویژه پس از جنگ جهانی اول، نخستین گامهای پیشرفت را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم آورد. بنابراین نهضت مشروطیت به نوبه خود منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شد.

همزمان با آغاز قرن بیستم، دولتهای وقت با هدف گسترش زمینه‌های سرمایه‌گذاری و استفاده دسته جمعی از کارگران و نیروهای مولد و متخصص تلاش کردند زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی لازم را در کشور ایجاد کنند. در چنین شرایطی، در کنار سایر طرحهای اقتصادی و تجاری، طرح بزرگ راه‌آهن سراسری با استفاده از حجم نسبتاً عظیمی از نیروی کار به اجرا درآمد. همچنین با توجه به خطرها و حوادثی که در استفاده از نیروی انسانی بویژه در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور پدیدار شده بود، برای پایداری و تداوم طرحها و ضرورت حمایت و صیانت از نیروی کار در نخستین گام بیمه کارگری از نوع صندوق احتیاط، با به عرصه اقتصادی کشور گذاشت. البته قبل از آن در سال ۱۳۰۴ صندوق بازنشستگی کارکنان دولت فعالیت خود را آغاز کرده بود و در واقع دولت وقت با استفاده از تجربیات صندوق مزبور نخستین گام حمایت اجتماعی را در قلمرو اقتصادی توسعه کشور برداشت.

۲. سیر تحول در اهداف و وظایف سازمان

الف. پیشینه و تحولات بیمه اجتماعی کارگران در ایران

صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع که در سال ۱۳۰۹ تصویب شد و از ابتدای سال ۱۳۱۰ فعالیت خود را آغاز کرد، کارگران شاغل در راهسازی را در برابر حوادث ناشی از کار (درمان، غرامت مقطوع از کارافتادگی، غرامت فوت) بیمه می‌کرد. تعهدات صندوق احتیاط طرق و شوارع در سال ۱۳۱۱ به کارگران ساختمانی دولت و در سال ۱۳۱۲ به کارگران شاغل در کارگاههای صنعتی و معدنی گسترش یافت و در سال ۱۳۱۵ با تصویب نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی، بخش وسیعتری از کارگران شاغل در کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی تحت پوشش این بیمه قرار گرفتند.

در سال ۱۳۲۲ با تصویب لایحه بیمه اجباری کارگران، تمامی کارخانجات و مؤسسات اقتصادی، صنعتی، معدنی، تجاری، باربری و راه آهن دارای بیش از ۲۰ نفر کارگر (اعم از دولتی و غیردولتی)، مکلف شدند کارگران خود را نزد شرکت سهامی بیمه ایران یا یک شرکت بیمه داخلی بیمه کنند.

با تشکیل وزارت کار در سال ۱۳۲۵ ضمن افزایش دامنه شمول بیمه اجباری کارگران از نظر پوشش و سطح تعهدات، مقرر شد در هر کارگاه برای انجام امور بیمه کارگران دو صندوق شامل صندوق بهداشت و صندوق تعاون تشکیل شود و برای نظارت بر این صندوقها و هماهنگ سازی آنها نیز بنگاه رفاه اجتماعی از سال ۱۳۲۶ آغاز به کار کرد.

قطعه عطف این تحولات، تشکیل صندوق تعاون و بیمه کارگران در سال ۱۳۲۸ بود که با تسری مقررات بیمه اجباری به عموم کارگران و افراد خانواده آنها، تعهدات بیمه را به حوادث و بیماریهای غیرناشی از کار نیز گسترش داد و برای نخستین بار الگوی بیمه اجتماعی کارگران را به اجرا گذاشت. این صندوق تا سال ۱۳۲۲، زمان تشکیل سازمان بیمه های اجتماعی کارگران، به فعالیت خود ادامه داد.

ب. تشکیل سازمان بیمه های اجتماعی کارگران

در آغاز دهه ۱۳۳۰، تحولات سیاسی و اقتصادی ایران از یک سو و تحولات بین المللی از سوی دیگر، شرایط را برای اجرای بیمه اجتماعی کارگران به شیوه متداول در کشورهای اروپایی فراهم کرده بود. دولت وقت با درک ضرورت بیمه اجتماعی، قانون بیمه اجتماعی کارگران را در بهمن ماه ۱۳۳۱ به تصویب رساند و از اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ با تشکیل سازمان بیمه های اجتماعی کارگران، امور مربوط به بیمه اجتماعی کارگران (که تا پیش از آن از طریق صندوق تعاون و بیمه کارگران و نیز شرکت سهامی بیمه ایران انجام می شد) در این سازمان متمرکز شد.

در واقع شکل سازمانی تأمین اجتماعی از تاریخ تصویب و اجرای قانون مزبور است. به گونه ای که در ماده ۱ قانون مزبور مقرر شده است: «کلیه کارخانه ها و بنگاه های مشمول قانون کار موظفند کارگران خود را برای استفاده از کمکهای مذکور در این لایحه قانونی در موارد زیر نزد سازمان بیمه نمایند: حوادث و بیماریها و از کارافتادگی ناشی از کار و غیرناشی از کار کارگر، حوادث و بیماریهای خانواده بلافصل کارگر، از دواج، حاملگی، وضع حمل، عائله مندی بازنشستگی، کفن و دفن، کمک به بازماندگان کارگر متوفی و بیکاری.»

همچنین در ماده ۲ قانون مزبور مقرر شده است: «سازمان می تواند پیشه وران و به طور کلی هر

نوع کارگران دیگر را که مشمول ماده یک این لایحه نشوند، در صورت تقاضای اشخاص ذینفع در مقابل تمام و یا قسمتی از موارد استفاده در این لایحه قانونی بیمه کند مشروط بر اینکه تقاضاکننده پرداخت تمام حق بیمه را با شرایطی که سازمان تعیین خواهد نمود تعهد کند.»

لذا همان گونه که در ماده ۱ و ۲ قانون مزبور ملحوظ است، جهات اجتماعی و عمومی قانون مزبور بسیار بارز است؛ به گونه‌ای که تقریباً می‌توان گفت تا قبل از تصویب و تشکیل سازمان بیمه‌های اجتماعی در زمینه بیمه و بازنشستگی و حمایت‌های قانونی از کارگران و سایر گروه‌های مولد و مشمول، عملاً صندوق‌های مربوط موفقیت‌های قابل اتکا به دنبال نداشتند و در چارچوب نظام تأمین اجتماعی نمی‌توان گفت که حمایت‌های برقرار شده در واقع تور حمایتی مورد نظر را همانند سایر کشورهای در حال توسعه به اجرا گذاشته است. لیکن از زمان تشکیل سازمان مزبور و اجرای مفاد قانونی آن است که می‌توان گفت باب راه‌اندازی و استفاده از تجربه جهانی در قلمرو نظام تأمین اجتماعی بویژه بیمه‌های اجتماعی در ایران مفتوح شد. در اصل سرمنشأ حضور ایران در عرصه‌های تأمین اجتماعی و شروع مؤثر حمایت از آحاد مردم از همان زمان تشکیل سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران آغاز شد. به طوری که امروزه کشور ما یکی از فراگیرترین خدمات اجتماعی را در قلمرو بیمه‌های اجتماعی در دنیا داشته و از مؤثرترین اعضای سازمان‌های بین‌المللی (نظیر سازمان بین‌المللی کار^۱ و انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی^۲) است.

مهمترین ویژگی‌های این قانون را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ایجاد یک سازمان مشخص با اختیارات قانونی لازم تحت نظارت یک شورای (عالی) فرابخش برای انجام امور بیمه اجتماعی کارگران.
- تعیین ضوابط نسبتاً دقیق و اجرایی برای انجام امور بیمه‌گری، پوشش جمعیت، تأمین منابع مالی و ارائه تعهدات سازمان.
- گسترش دامنه شمول بیمه اجباری به کلیه کارگران و شاغلان مشمول قانون کار و ارائه انواع خدمات و مزایای رایج بیمه‌ای در چارچوب این قانون.
- ایجاد حمایت کمک‌بیکاری که در آن دوران در نوع خود در میان کشورهای خاورمیانه تقریباً بی‌نظیر بود.
- تحت پوشش قرار دادن خانواده بلافصل بیمه‌شدگان.

1. International Labour Organization (ILO)

2. International Social Security Association (ISSA)

- برقراری رسمی و قانونی مستمری بازنشستگی و مستمری بازماندگان.
- تعیین سن رسمی بازنشستگی (مردان ۶۵ سال، زنان ۶۰ سال تمام و کارهای سخت و زیان‌آور ۵۵ سال تمام).
- صدور مجوز قانونی برای تأسیس شعب و نمایندگی در شهرستانها.
- صدور مجوز قانونی مبنی بر واگذاری قسمتی از کمکهای مقرر در قانون به شورای مورد توافق در هر کارگاه.
- تکلیف به کارفرمایان مبنی بر رعایت حفاظت فنی و حفظ تندرستی کارگران
- ایجاد تکلیف به کارخانجات، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت به اعاده به کار کارگران مسلول بهبود یافته.
- در سال ۱۳۳۴ نیز با انجام اصلاحاتی در قانون بیمه اجتماعی کارگران، ضمن افزایش نرخ حق بیمه به ۱۸ درصد برای کارگاههای دولتی و ۱۵ درصد برای کارگاههای غیردولتی، مبنای تعیین حق بیمه شفاف‌تر و روشهای وصول آن مشخص‌تر شد. تغییرات این قانون در سال ۱۳۳۹ بیشتر مربوط به نحوه ارائه تعهدات سازمان در زمینه بیماریها و بارداری بود.
- مهمترین تحولاتی که در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۴ در این قانون صورت گرفت عبارت است از:
 - در سال ۱۳۴۲ با حذف واژه کارگران از نام سازمان و عنوان قانون بیمه‌های اجتماعی، شمول این قانون به عموم افراد (بجز کسانی که تابع استخدام کشوری یا مقررات خاص بیمه‌ای بودند) تسری یافت.
 - با تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان در سال ۱۳۴۸ و الحاق موادی به آن در سال ۱۳۴۹، روستاییان مشمول اصلاحات ارضی و نیز کارگران مشاغل کشاورزی تحت پوشش بیمه بیماریها، حوادث ناشی از کار، از کارافتادگی و فوت قرار گرفتند.
 - در سال ۱۳۵۲ با تصویب قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی، کارگران شاغل در فعالیتهای مربوط به ایجاد، توسعه و تجدید بناهای ساختمانی، تحت پوشش بیمه حوادث ناشی از کار و مزایای منبعث از آن شامل درمان، غرامت‌ها، مستمری از کارافتادگی و مستمری بازماندگان قرار گرفتند.
 - در سال ۱۳۵۳ با تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، سازمان بیمه‌های اجتماعی (و همچنین دیگر سازمانها و نهادهای بیمه‌ای مرتبط) به این وزارت وابسته شد که البته این تغییر سازمانی، در تعهدات بیمه‌ای سازمان تغییری ایجاد نمی‌کرد.
- و سرانجام در سال ۱۳۵۴، با تصویب قانون تأمین اجتماعی و تشکیل سازمان تأمین اجتماعی نقطه عطف دیگری در مسیر بیمه‌های اجتماعی کشور به وجود آمد.

ج. تشکیل سازمان تأمین اجتماعی

تصویب قانون تأمین اجتماعی در شرایطی که اندیشه‌های رفاهی و بیمه همگانی در کشور شکل گرفته بود، منجر به تحولاتی شد که از آن جمله می‌توان به بهره‌گیری از واژه «تأمین اجتماعی» به جای بیمه اجتماعی و همچنین تأکید بر واژه «بیمه شده» به جای کارگر اشاره کرد. این نوع نگرش که پیمودن گامی بلند در عرصه تأمین اجتماعی کشور را از نظر فراگیری، پوشش جمعیتی و جامعیت تعهدات مدنظر داشت، به دلیل فراهم نبودن شرایط و زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین ضعف در اجرا ناکام ماند و با تغییرات سازمانی پی در پی طی سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دچار دگرگونی شد.

در تیرماه ۱۳۵۵ نیز وزارت رفاه اجتماعی همزمان با تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی وقت منحل شد و کلیه وظایف وزارت مزبور در قانون تأمین اجتماعی به عهده وزارت بهداری و بهزیستی وقت قرار گرفت. متعاقب تشکیل وزارت مورد اشاره برابر ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت، سازمان تأمین اجتماعی (سازمان مرکزی) تبدیل به صندوق تأمین اجتماعی شد. تشکیلات، وظایف و امور اجرایی شعب هم در مناطق بهداری و بهزیستی وقت ادغام شد.

پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ دوباره در جهت احیای ماده ۱ قانون تأمین اجتماعی، سازمان با حفظ شخصیت حقوقی و استقلال اداری و مالی تشکیل و صندوق تأمین اجتماعی موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی با حفظ کلیه وظایف، داراییها، مطالبات، دیون و تعهدات با سازمان ادغام و منتقل گردید، و برابر قانون مزبور کلیه واحدهای اجرایی تأمین اجتماعی مستقر در سازمانهای منطقه‌ای بهداری و بهزیستی استانها موضوع ماده ۶ قانون تشکیل وزارت مورد اشاره از سازمانهای مذکور منتزع و با کلیه وظایف، داراییها، مطالبات، دیون، تعهدات و کلیه کارکنان به سازمان تأمین اجتماعی منتقل شد. البته در این نقل و انتقالات کلیه بیمارستانها و درمانگاهها و امور درمانی بیمه‌شدگان کماکان در اختیار وزارت بهداری و بهداشت باقی ماند.

اگرچه در سالهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، مبانی مشروعیت بیمه اجتماعی با تردیدها و پرسشهای جدی مواجه شد، کوششهای پیگیر دست‌اندرکاران این امر موجب شد که این بنای مستحکم لطمه‌ای جدی نخورد و به حیات خود ادامه دهد و زمینه‌های فعالیت سازمان تأمین اجتماعی و دامنه اختیارات آن بیش از پیش گسترش یابد.

در تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۱ به منظور ارتقای کمیّت و کیفیت خدمات درمانی، قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب و کلیه تعهدات

درمانی مورد اشاره دوباره از ابتدای سال ۱۳۶۹ به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد. در این راستا تمامی بیمارستانها، درمانگاهها و تجهیزات درمانی سازمان که با حفظ مالکیت در اختیار وزارت بهداشت و بهزیستی وقت (وزارت بهداشت، درمان و آموزش زمان تصویب قانون) قرار گرفته بود، دوباره به سازمان برگشت داده شد، و از آن زمان تاکنون کلیه خدمات درمانی بیمه‌شدگان راساً توسط سازمان از طریق درمان مستقیم و غیر مستقیم به خدمت‌گیرندگان ارائه می‌شود.

مبانی قانونی و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در حال حاضر همان است که در قانون مصوب سال ۱۳۵۴ آمده بود، با وجود این طی این سالها اصلاحات و الحاقاتی در این قانون به وجود آمده که مهمترین آنها به شرح زیر است:

- لایحه قانونی شمول مواد ۶۰، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون تأمین اجتماعی درباره کلیه بیمه‌شدگانی که در جریان انقلاب اسلامی دچار نقص عضو، از کارافتادگی جزئی و یا کلی شده‌اند و یا به درجات شهادت رسیده‌اند و اصلاحیه آن مصوب مورخ ۱۳۵۸/۲۶/۶ و ۱۳۷۰/۵/۸ مجلس شورای اسلامی.
- قوانین بازنشستگی پیش از موعد مصوب سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۷ و تمدید آن در سال ۱۳۷۰.
- قانون بازنشستگی پیش از موعد در مورد مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۰ (لایحه اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون و اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱).
- قانون منع دریافت خسارات و جرایم و بهره‌مندرج در قانون مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۳.
- قوانین راجع به مؤسسات و سازمانهای ادغام‌شده در سازمان تأمین اجتماعی و اصلاحیه آن
- قانون دریافت جرایم نقدی از کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون تأمین اجتماعی که ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال صورت مزد و ... مصوب ۱۳۷۳/۵/۹.
- تصویب قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی در سال ۱۳۶۵ برای پوشش بیمه‌ای صاحبان حرف و مشاغل آزاد به صورت اختیاری.
- تصویب قانون بیمه بیکاری به طور آزمایشی در سال ۱۳۶۶ و به طور قطعی در سال ۱۳۶۹.
- تصویب قانون دریافت جرایم نقدی از کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون تأمین اجتماعی که ... مصوب ۱۳۷۳/۵/۹
- انجام اصلاحاتی در مواد ۷۷، ۷۶، ۷۲ قانون برای تغییر در شرایط بازنشستگی، مشاغل سخت و زیان‌آور و محاسبه مستمری‌های مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۶.

- تصویب ماده واحده‌ای به منظور پوشش بیمه‌ای بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو از نظر بیمه‌های بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت در سال ۱۳۷۶.
- پوشش بیمه‌ای رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری به صورت اجباری از طریق سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۷۹.
- افزایش حداقل ۱۰ سال سابقه لازم برای بازنشستگی.

حال اگر سازمان تأمین اجتماعی توانسته است با اقتدار و اتکا به منابع درونی، به حیات خود ادامه دهد و وقوع بحرانها و نوسانات اقتصادی بخصوص جنگ تحمیلی هشت‌ساله، رشد بیکاری، رکود اقتصادی و رشد ناموزون سطح دستمزدها در کنار افزایش نسبت مستمری‌بگیری و رشد فزاینده انتظارات اجتماعی، سازمان را بشدت آسیب‌پذیر کرده و بی‌تردید سازمان تأمین اجتماعی به اصلاحات ساختاری در حوزه بیمه بازنشستگی نیازمند است، به نحوی که با حفظ مبانی اولیه بیمه اجتماعی و ایفای نقش اجتماعی خود، بتواند به حیات خود ادامه دهد و خدمات خود را به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران بیش از گذشته بهبود بخشد. در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی با توجه به روند گذشته و تحمیل بسیاری از تصمیمات برون‌سازمانی با بحران تنظیم منابع مصارف روبه‌روست، که اهم مبانی و مسائل آن به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است:

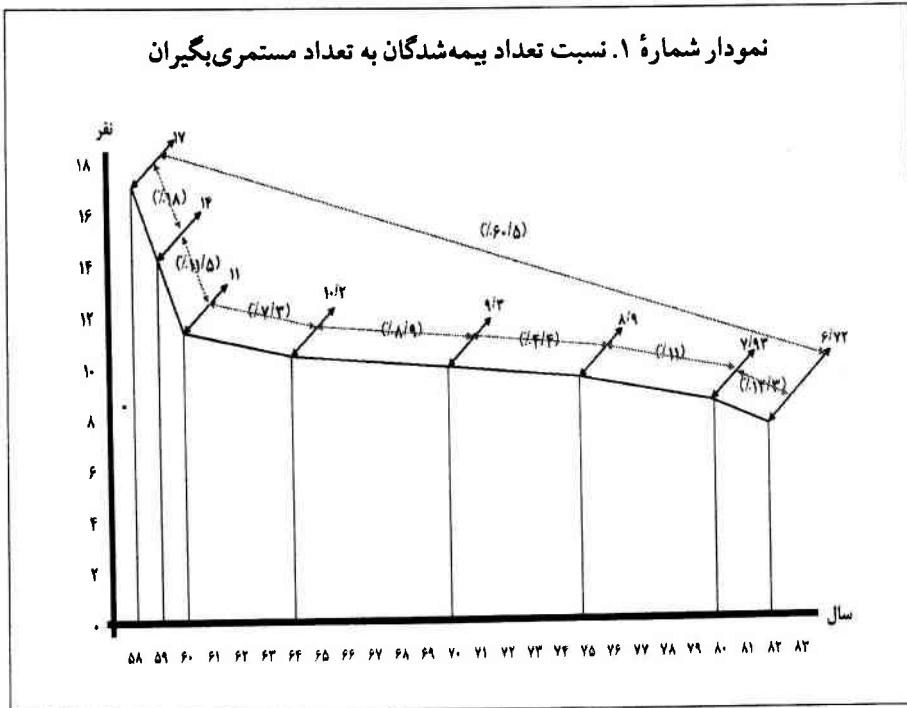
در محاسبات بیمه‌ای الگوی دوره تعادل و مشاع بین‌النسلی برای تنظیم منابع و مصارف سازمان انتخاب شده است بدین معنی که در سالهای اولیه به دلیل قلت تعهدات و مقایسه آن با نرخ حق‌بیمه و میزان درآمد همواره با مازاد درآمد بر هزینه روبه‌رو بوده و در سالهای میانسالی این روند رو به کاهش گذاشته و در سالهای پیری مصارف بر منابع پیشی خواهد گرفت و از نقطه سربه‌سری عبور خواهد کرد، و برای جلوگیری از بحران و پایان دوره تعادل باید با تمهیداتی نسبت به کاهش منطقی مصارف و افزایش منطقی درآمدها اقدام کرد. از جمله این تمهیدات می‌توان از افزایش سن بازنشستگی با توجه به افزایش شاخص امید به زندگی، افزایش نرخ حق‌بیمه با توجه به شاخص‌های اقتصادی و سطوح دستمزدی، افزایش سطوح بهره‌وری بویژه در بخش سرمایه‌گذاری، افزایش سهم دولت (۳ درصد) و... نام برد.

حال به‌رغم اینکه سازمان سالهای میانسالی را پشت سر گذاشته و به سالهای ایفای تعهدات خود در حداکثر نسبت جمعیتی نزدیک می‌شود و از این لحاظ باید تمهیدات تواماً را در قلمروهای مختلف معمول داشت، روند نیازها و خواسته‌های تحمیلی و همچنین سرریز انتظارات سایر قلمروهای اقتصادی و اجتماعی به سمت سازمان موجب شده عملاً سازمان نتواند در چارچوب

مقتضای محاسباتی خود، تمهیدات لازم را برای انتقال نقطه سر به سری و پایان دوره تعادل به سالهای بعد به سرانجام برساند؛ موضوعی که از نظر استراتژیک بسیار مهم و مورد توصیه مجامع بین‌المللی از جمله انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی است.

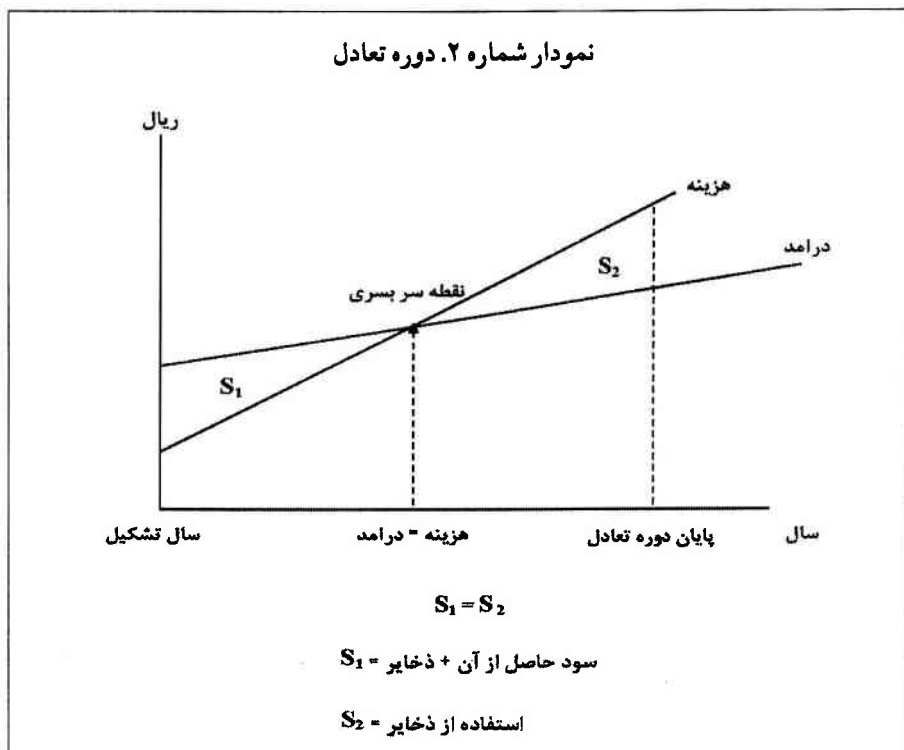
روند تحمیل بار مالی ناشی از اجرای چهار دوره دائمی بازنشستگی پیش از موعد، قلت سن بازنشستگی، عدم اعلام دستمزد واقعی مبنای کسر حق بیمه، عدم تناسب بین سالهای پرداخت حق بیمه و میزان مقرری بیمه بیکاری، بحرانهای بیکاری ناشی از تعدیل نیروی انسانی مازاد، میزان بیکاری و عدم امکان تنظیم چرخه جمعیتی، ملی شدن سهام سازمان در بانکها، ملی شدن بانک رفاه کارگران به رغم تصریح قانونی، تعدیل اقتصادی و... موجبات تسریع نقطه سر به سری سازمان را از نظر فرایند زمانی فراهم کرده است.

از مهمترین شاخص‌های چرخه منابع و مصارف، نسبت جامعه پرداخت‌کنندگان (بیمه‌شدگان اصلی) به جامعه دریافت‌کنندگان (مستمری‌بگیران) است. روند این نسبت در سازمان تأمین اجتماعی به شرح نمودار شماره ۱ است:



همان گونه که در نمودار شماره ۱ مشخص است در سال ۱۳۵۸ در مقابل یک نفر دریافت‌کننده مستمری حدود ۱۷ نفر پرداخت‌کننده حق‌بیمه وجود داشت در صورتی که این نسبت در سال ۱۳۷۵ حدوداً به میزان ۸/۹ نفر و در سال ۱۳۸۲ حدوداً به میزان ۶/۷۲ نفر کاهش پیدا کرده است که در مجموع حدود ۶۰/۵ درصد کاهش نسبت پرداخت‌کنندگان به جمعیت دریافت‌کنندگان مستمری داشته است.

البته درصدی از این روند نزولی طبیعی و مربوط به سپری شدن دوران تعادل چرخه جمعیتی و فرایند منابع مصارف سازمان است، لیکن درصد مهمی از این سیر نزولی مربوط می‌شود به افزایش تعداد مستمری‌بگیران و افزایش نرخ بیکاری به گونه‌ای که طی سه دوره بازنشستگی پیش از موعد و یک برداشت تفسیری از بند ۳ ماده ۸۰ قانون، در مجموع حدود ۱۵۰ هزار خانوار بر تعداد مستمری‌بگیران سازمان اضافه شده است. که این موضوع علاوه بر اینکه بار مالی چند صد میلیاردی بر سازمان تحمیل می‌کند، موجبات برهم خوردن دوران تعادل چرخه جمعیتی را نیز فراهم می‌آورد (نمودار شماره ۲).



منابع و مصارف مستقیم جاری سازمان (بدون در نظر گرفتن هزینه‌های سرمایه‌های و ذخیره تعهدات آتی) از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۸۱ به شرح جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۳ است:

جدول شماره ۱. مقایسه منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی ۱۳۶۰ - ۱۳۸۱
(مبلغ: میلیون ریال)

سال	منابع	مصارف	نسبت منابع به مصارف
۱۳۶۰	۱۹۲,۲۷۲	۹۰,۸۱۵	۲/۱۱
۱۳۶۱	۱۹۸,۳۶۴	۹۵,۱۷۸	۲/۰۸
۱۳۶۲	۲۲۳,۶۰۳	۱۰۷,۸۴۴	۲/۰۷
۱۳۶۳	۲۶۶,۰۸۲	۱۱۸,۳۲۴	۲/۲۴
۱۳۶۴	۲۷۵,۰۸۳	۱۴۳,۷۸۵	۱/۹۱
۱۳۶۵	۳۱۷,۸۷۰	۱۶۸,۱۳۱	۱/۸۹
۱۳۶۶	۳۱۹,۴۵۴	۱۸۴,۷۷۸	۱/۷۲
۱۳۶۷	۳۶۴,۳۱۳	۲۳۶,۹۳۵	۱/۵۳
۱۳۶۸	۴۲۷,۶۹۲	۲۸۰,۳۶۸	۱/۵۲
۱۳۶۹	۵۴۵,۴۷۷	۳۲۵,۷۴۹	۱/۶۷
۱۳۷۰	۷۸۷,۱۶۵	۴۹۶,۲۱۴	۱/۵۸
۱۳۷۱	۱,۰۹۹,۶۳۷	۸۱۷,۱۴۴	۱/۳۴
۱۳۷۲	۱,۶۲۲,۳۱۲	۱,۱۷۵,۱۵۴	۱/۳۸
۱۳۷۳	۲,۵۷۰,۰۳۶	۱,۵۹۲,۶۷۸	۱/۶۱
۱۳۷۴	۳,۲۶۹,۲۵۹	۲,۲۵۶,۵۹۴	۱/۴۴
۱۳۷۵	۴,۷۱۱,۱۱۲	۳,۳۶۱,۲۶۵	۱/۴۰
۱۳۷۶	۵,۸۸۷,۲۳۴	۴,۵۷۵,۰۷۷	۱/۲۸
۱۳۷۷	۷,۲۱۲,۴۱۹	۶,۰۶۷,۶۹۶	۱/۱۸
۱۳۷۸	۹,۳۷۰,۸۴۰	۷,۵۰۴,۸۶۶	۱/۲۴
۱۳۷۹	۱۲,۴۷۷,۷۰۶	۹,۳۵۳,۵۹۲	۱/۳۳
۱۳۸۰	۱۴,۵۷۳,۹۱۸	۱۲,۶۱۹,۶۲۳	۱/۱۵
۱۳۸۱	۲۵,۵۶۵,۲۵۳	۱۷,۳۶۸,۱۳۱	۱/۴۷

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی



جدول شماره ۲. نسبت هزینه‌های بلندمدت جاری به میزان حق بیمه دریافتی ۱۳۴۰-۱۳۸۰
(مبلغ: میلیون ریال)

سال	میزان حق بیمه دریافتی	هزینه بلندمدت	نسبت (درصد)
۱۳۴۰	۱,۱۶۱	۱۲۹	۱۱
۱۳۴۱	۱,۲۲۵	۱۸۶	۱۵
۱۳۴۲	۱,۲۵۵	۲۲۸	۱۸
۱۳۴۳	۱,۲۹۳	۲۸۳	۲۲
۱۳۴۴	۱,۶۲۳	۳۴۵	۲۱
۱۳۴۵	۱,۹۵۵	۴۵۸	۲۳
۱۳۴۶	۲,۳۲۹	۵۳۵	۲۳
۱۳۴۷	۲,۹۹۳	۶۱۲	۲۰
۱۳۴۸	۳,۶۷۴	۸۳۹	۲۳
۱۳۴۹	۴,۲۶۲	۱,۰۲۲	۲۴
۱۳۵۰	۵,۰۳۲	۱,۱۵۲	۲۳

ادامه جدول شماره ۲.

(مبلغ: میلیون ریال)

سال	میزان حق بیمه دریافتی	هزینه بلندمدت	نسبت (درصد)
۱۳۵۱	۶,۳۱۳	۱,۲۵۲	۲۰
۱۳۵۲	۷,۹۵۲	۱,۶۰۹	۲۰
۱۳۵۳	۱۰,۹۸۳	۱,۸۰۵	۱۶
۱۳۵۴	۱۳,۳۰۱	۲,۲۹۲	۱۷
۱۳۵۵	۲۹,۷۰۱	۳,۹۲۸	۱۳
۱۳۵۶	۵۲,۹۸۴	۵,۴۱۵	۱۰
۱۳۵۷	۴۸,۸۷۳	۷,۲۹۴	۱۵
۱۳۵۸	۵۷,۶۵۷	۱۰,۹۹۵	۱۹
۱۳۵۹	۷۹,۰۶۷	۲۲,۴۱۲	۲۸
۱۳۶۰	۱۲۰,۰۱۵	۴۱,۳۸۰	۳۴
۱۳۶۱	۱۲۰,۴۱۴	۴۳,۳۸۷	۳۶
۱۳۶۲	۱۳۶,۵۴۶	۴۷,۰۷۶	۳۴
۱۳۶۳	۱۵۳,۷۳۵	۵۰,۷۱۰	۳۳
۱۳۶۴	۱۷۲,۹۲۵	۶۳,۵۳۲	۳۸
۱۳۶۵	۱۹۲,۱۲۷	۷۱,۷۲۵	۳۷
۱۳۶۶	۲۰۳,۶۷۷	۸۶,۳۷۵	۴۲
۱۳۶۷	۲۳۰,۰۹۳	۱۲۰,۳۲۹	۵۲
۱۳۶۸	۲۶۸,۲۵۰	۱۴۶,۷۰۶	۵۵
۱۳۶۹	۳۳۲,۰۵۲	۱۹۵,۲۰۵	۵۸
۱۳۷۰	۴۷۵,۷۹۳	۲۶۳,۹۸۲	۵۵
۱۳۷۱	۶۶۳,۹۴۹	۴۳۴,۳۲۶	۶۵
۱۳۷۲	۹۹۹,۳۷۴	۶۷۷,۷۷۸	۶۸
۱۳۷۳	۱,۵۵۲,۲۳۳	۹۳۰,۷۲۳	۶۰
۱۳۷۴	۱,۹۹۸,۰۳۴	۱,۳۱۶,۶۸۶	۶۶
۱۳۷۵	۲,۷۰۳,۵۲۷	۱,۹۵۰,۵۴۲	۷۲

ادامه جدول شماره ۲.

(مبلغ: میلیون ریال)			
سال	میزان حق بیمه دریافتی	هزینه بلندمدت	نسبت (درصد)
۱۳۷۶	۳,۴۵۸,۳۶۲	۲,۶۴۷,۹۰۵	۷۷
۱۳۷۷	۴,۳۴۰,۴۸۴	۳,۵۴۵,۷۴۸	۸۲
۱۳۷۸	۵,۴۶۷,۲۴۴	۴,۵۲۲,۴۵۵	۸۳
۱۳۷۹	۷,۹۲۹,۵۸۷	۵,۸۱۸,۴۱۰	۷۳
۱۳۸۰	۱۱,۸۱۴,۳۸۲	۶,۷۴۷,۷۷۷	۵۷

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی

جدول شماره ۳. تعداد بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران ۱۳۸۰ - ۱۳۴۰

سال	تعداد بیمه‌شدگان	تعداد مستمری‌بگیران	نسبت بیمه‌شدگان به مستمری‌بگیران
۱۳۴۰	۳۰۸,۹۱۳	۱۲,۱۱۱	۲۵/۵۱
۱۳۴۱	۳۱۲,۸۵۸	۱۴,۱۰۷	۲۲/۱۸
۱۳۴۲	۳۱۶,۰۶۲	۱۸,۴۳۲	۱۷/۱۵
۱۳۴۳	۳۳۲,۶۸۴	۲۰,۹۵۵	۱۶/۱۵
۱۳۴۴	۳۹۸,۸۱۵	۲۳,۹۱۳	۱۶/۶۸
۱۳۴۵	۴,۶۵۰,۲۳۱	۲۶,۹۰۰	۱۶/۹۵
۱۳۴۶	۵۴۵,۰۶۹	۲۷,۸۳۸	۱۹/۵۸
۱۳۴۷	۶۳۳,۲۳۵	۳۱,۲۵۶	۲۰/۲۶
۱۳۴۸	۶۹۰,۶۵۸	۳۳,۸۵۰	۲۰/۴۰
۱۳۴۹	۷۴۰,۰۱۶	۳۷,۴۸۳	۱۹/۷۴
۱۳۵۰	۸۴۲,۸۶۹	۴۱,۰۳۲	۲۰/۵۴
۱۳۵۱	۸۴۲,۸۶۹	۴۴,۰۳۲	۲۰/۵۴
۱۳۵۲	۱,۰۱۲,۱۶۸	۴۴,۰۳۶	۲۲/۹۹
۱۳۵۳	۱,۱۳۴,۹۸۵	۴۹,۶۷۵	۲۲/۸۵
۱۳۵۴	۱,۵۲۴,۸۷۱	۶۱,۲۰۱	۲۴/۹۲
۱۳۵۵	۱,۶۹۲,۳۱۱	۶۹,۶۴۴	۲۴/۳۰

ادامه جدول شماره ۳			
سال	تعداد بیمه شدگان	تعداد مستمری بگیران	نسبت بیمه شدگان به مستمری بگیران
۱۳۵۶	۱,۷۷۲,۰۲۶	۷۹,۳۷۲	۲۲/۳۳
۱۳۵۷	۱,۸۱۸,۴۳۶	۸۹,۱۰۴	۲۰/۴۱
۱۳۵۸	۱,۷۰۴,۲۷۸	۱۰۰,۹۰۳	۱۶/۸۹
۱۳۵۹	۱,۷۳۴,۶۴۲	۱۲۵,۲۷۸	۱۳/۸۵
۱۳۶۰	۱,۷۵۳,۷۵۳	۱۵۳,۷۷۶	۱۱/۴۰
۱۳۶۱	۱,۷۶۵,۲۱۵	۱۷۱,۵۹۰	۱۰/۲۹
۱۳۶۲	۱,۹۸۰,۲۵۸	۱۸۴,۶۶۱	۱۰/۷۲
۱۳۶۳	۲,۱۲۷,۶۶۱	۱۹۶,۰۸۸	۱۰/۸۵
۱۳۶۴	۲,۲۳۰,۵۷۳	۲۱۱,۱۴۹	۱۰/۵۶
۱۳۶۵	۱,۹۶۳,۶۰۸	۲۲۹,۵۵۳	۸/۵۵
۱۳۶۶	۲,۱۸۷,۴۴۲	۱۴۸,۸۷۱	۸/۷۹
۱۳۶۷	۲,۴۳۱,۳۴۴	۲۷۳,۸۱۹	۸/۸۸
۱۳۶۸	۲,۷۸۶,۵۰۷	۳۱۳,۶۳۸	۸/۸۸
۱۳۶۹	۲,۹۸۸,۶۱۱	۳۴۰,۸۷۰	۸/۷۷
۱۳۷۰	۳,۳۳۹,۸۵۹	۳۶۵,۹۶۴	۹/۱۳
۱۳۷۱	۳,۶۰۴,۵۵۸	۴۱۰,۳۱۵	۸/۷۸
۱۳۷۲	۳,۹۲۱,۳۱۵	۴۷۳,۳۵۴	۸/۲۸
۱۳۷۳	۴,۲۵۸,۴۶۳	۵۱۵,۳۶۷	۸/۲۶
۱۳۷۴	۴,۸۴۹,۵۲۰	۵۵۴,۶۵۵	۸/۷۴
۱۳۷۵	۵,۱۳۱,۲۷۶	۵۸۸,۳۹۲	۸/۷۲
۱۳۷۶	۵,۶۵۸,۰۳۸	۶۱۷,۸۳۰	۹/۱۶
۱۳۷۷	۵,۸۸۲,۱۷۲	۶۵۳,۵۱۶	۹/۰۰
۱۳۷۸	۵,۹۷۷,۵۹۸	۶۹۴,۳۲۱	۸/۶۱
۱۳۷۹	۶,۰۹۴,۵۸۸	۷۲۶,۳۳۶	۸/۳۹
۱۳۸۰	۶,۳۷۴,۵۶۸	۷۷۴,۷۹۴	۸/۲۳

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی

جدول شماره ۴. نسبت ذخایر به مصارف سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۶۰-۱۳۸۰
(مبلغ: میلیون ریال)

سال	ذخایر	مصارف	نسبت ذخایر به مصارف
۱۳۶۰	۲۷۶,۹۳۶	۹۰,۸۱۵	۳/۰۵
۱۳۶۱	۴۸۲,۱۸۵	۹۵,۱۷۸	۵/۰۷
۱۳۶۲	۵۹۷,۹۴۴	۱۰۷,۲۰۸	۵/۵۸
۱۳۶۳	۷۵۰,۸۸۰	۱۱۸,۳۲۴	۶/۳۵
۱۳۶۴	۸۷۰,۸۲۸	۱۴۳,۷۸۵	۶/۰۶
۱۳۶۵	۹۹۶,۳۰۵	۱۶۸,۱۳۱	۵/۹۳
۱۳۶۶	۱,۱۳۰,۵۹۱	۱۸۴,۷۷۸	۶/۱۲
۱۳۶۷	۱,۲۵۲,۲۳۳	۲۳۶,۹۳۵	۵/۲۹
۱۳۶۸	۱,۳۹۱,۷۶۵	۲۸۰,۳۶۸	۴/۹۶
۱۳۶۹	۱,۵۸۰,۸۵۳	۳۲۵,۷۴۹	۴/۸۵
۱۳۷۰	۱,۸۷۰,۳۰۶	۴۹۶,۲۱۴	۳/۷۷
۱۳۷۱	۲,۱۷۲,۹۹۶	۸۱۷,۱۴۴	۲/۶۶
۱۳۷۲	۲,۶۰۹,۵۰۲	۱,۱۷۵,۱۵۴	۲/۶۶
۱۳۷۳	۳,۵۵۵,۴۷۵	۱,۵۹۲,۶۷۸	۲/۲۳
۱۳۷۴	۳,۲۶۹,۲۵۹	۲,۲۵۶,۵۹۴	۱/۴۴
۱۳۷۵	۷,۱۵۵,۱۴۸	۴,۵۷۵,۰۷۷	۱/۴۷
۱۳۷۶	۷,۱۵۵,۱۴۸	۴,۵۷۵,۰۷۷	۱/۵۶
۱۳۷۷	۸,۱۱۷,۱۴۷	۶,۰۶۷,۶۹۶	۱/۳۴
۱۳۷۸	۹,۹۷۵,۶۹۷	۷,۵۰۴,۸۶۶	۱/۳۳
۱۳۷۹	۱۲,۷۴۱,۳۱۳	۹,۳۵۳,۵۹۲	۱/۳۶
۱۳۸۰	۱۴,۴۸۰,۲۴۷	۱۲/۶۱۹/۶۲۳	۱/۱۵

مأخذ: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی

جدول شماره ۵. پیش بینی میزان حق بیمه و میزان تعهدات بلندمدت ۱۳۸۱ - ۱۳۹۱ (مبلغ: میلیون ریال)			
سال	حق بیمه	تعهدات بلندمدت	نسبت حق بیمه وصولی به تعهدات بلندمدت
۱۳۸۱	۱۲,۸۹۵,۳۶۳	۸,۸۲۰,۴۲۶	۱/۳۶
۱۳۸۲	۱۵,۳۵۸,۶۹۷	۹,۷۱۴,۲۴۵	۱/۵۸
۱۳۸۳	۱۹,۱۹۸,۳۷۱	۱۰,۵۲۷,۶۵۳	۱/۸۲
۱۳۸۴	۲۱,۱۱۸,۲۰۸	۱۴,۱۰۶,۸۰۱	۱/۵۰
۱۳۸۵	۲۵,۳۴۱,۸۴۹	۱۵,۷۳۸,۸۴۱	۱/۶۱
۱۳۸۶	۳۱,۱۷۰,۴۷۵	۲۰,۴۶۰,۴۹۴	۱/۵۲
۱۳۸۷	۳۴۲,۸۷۵,۳۲۱	۲۷,۸۲۶,۲۷۱	۱/۲۳
۱۳۸۸	۴۱۱,۴۵۰,۲۷۳	۳۹,۲۳۵,۰۴۲	۱/۰۵
۱۳۸۹	۴۵۲,۵۸۴,۳۶۵	۴۳,۱۵۸,۵۴۷	۱/۰۵
۱۳۹۰	۴۸,۸۸۰,۲۹۱	۴۷,۴۷۴,۴۰۱	۱/۰۳
۱۳۹۱	۵۳,۷۶۹,۴۸۹	۶۲,۱۶۶,۲۱۰	۰/۸۶

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی

مهمترین چالش‌های فراروی سازمان

الف) عدم تناسب روند یا رشد منابع به مصارف یا به عبارت دیگر رشد سریع تر مصارف نسبت به منابع

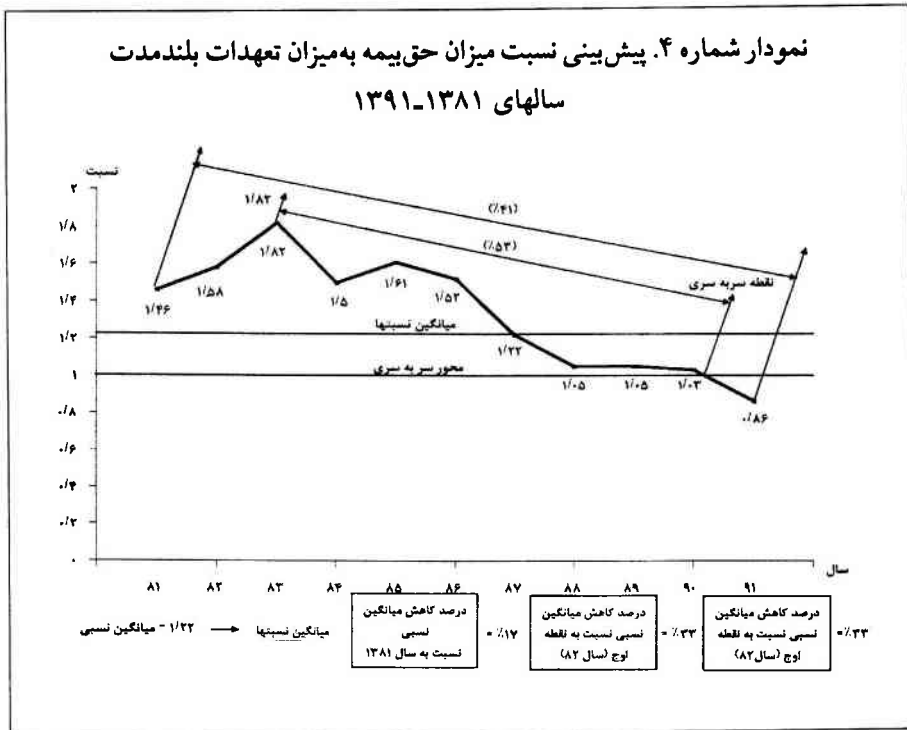
جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ نسبت مصارف به منابع از حدود ۴۷ درصد به حدود ۸۷ درصد رسیده است، یعنی در سال ۱۳۶۰ سازمان با منابع جاری خود می‌تواند حدود ۲/۱۲ برابر مصارف جاری خود را در سال تأمین کند در صورتی که این نسبت در سال ۱۳۸۰ حدود ۱/۱۵ برابر کاهش یافته است که از لحاظ تنظیم منابع بر مصارف جای نگرانی بسیار دارد و باید برای جلوگیری از این روند و انتقال نقطه سر به سری منابع بر مصارف تمهیدات لازم را اندیشید.

ب) عدم تناسب فیما بین نسبت پرداخت کنندگان حق بیمه و دریافت کنندگان مستمری (کاهش نرخ وابستگی)

همانطوری که گفته شد چرخه جمعیتی سازمان نظام مشاع بین نسلی است لذا از نظر چرخه جمعیتی نسبت پرداخت کنندگان به دریافت کنندگان نقش کلیدی و حیاتی در تداوم حمایت‌های سازمان دارد. این نسبت طبق جدول شماره ۳ در سال ۱۳۴۰ در مقابل هر یک نفر مستمری‌بگیر حدود ۲۵/۵۱ نفر و در سال ۱۳۵۸ حدود ۱۷ نفر بوده و در سال ۱۳۸۰ به حدود ۸ نفر تقلیل یافته است.

ج) نرخ بیکاری و سطح دستمزدها

یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان حق بیمه وصولی سازمان سطح اشتغال و میزان دهک‌های درآمدی است. بنابراین هر قدر نرخ بیکاری بالا و مابانی کسر حق بیمه نامتناسب و به حداقل دستمزد نزدیکتر باشد، اثرگذاری آن بر روند و رشد درآمدی سازمان نامطلوب‌تر خواهد بود علاوه بر اینکه از طرفی



چون سازمان برقرارکننده مقرری بیمه بیکاری و انواع مستمریهای بازنشستگی است، در صورت افزایش میزان بیکاری فشار برای استفاده از مقرری بیمه بیکاری و کاهش سن بازنشستگی و برقراری مستمری بیشتر خواهد بود.

و به طور خلاصه تعدادی دیگر از چالشهای فراروی سازمان به شرح زیر قابل فهرست‌بندی است:

- پایین بودن سنین بازنشستگی
- عدم تناسب و وابستگی لازم مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی با میزان پرداخت حق بیمه (میانگین ۲ سال آخر)
- عدم استفاده متناسب و بهنگام از محاسبات بیمه‌ای در وضع مقررات و قوانین
- عدم وجود و استفاده از سیستم IT
- عدم عضویت رسمی سازمان در شوراهای اقتصادی و اجتماعی از جمله شورای اقتصاد، شورای عالی اشتغال و...
- عدم پرداخت بهنگام حق بیمه و انباشت مطالبات معوق
- فقدان نظام جامع تأمین اجتماعی و سرریز شدن انتظارات عمومی و حاکمیتی به سمت سازمان

توصیه‌های پیشنهادی

- الف. رویکرد اصل اعتمادسازی در چارچوب مبنای کارشناسی و اعتدال فیما بین سازمان و شرکای اجتماعی
- ب. تدوین و برقراری سیستم IT
- ج. تجدید نظر و اصلاح زیرساخت‌های مالی و محاسباتی در جهت رعایت اصول و مبنای محاسبات بیمه‌ای.
- د. رویکرد اساسی و علمی در قلمرو مدیریت منابع انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی
- ه. استفاده از تجربیات جهانی در تدوین راهبردهای علمی و متناسب در جهت بهره‌وری بیشتر ذخایر و سرمایه‌گذارها
- و. تحقیق، آسیب‌شناسی علمی و مستمر، به موازات امور جاری، اعم از قلمرو بیمه بازنشستگی و درمان در جهت اصلاح امور.